



الگوهای کوچک

مورچه‌ها برای نگرستن با تأمل ما، موجودات با ارزشی هستند. ریزترین مخلوقات متحرکی که همیشه کنارمان می‌دیدیم و برایمان نماد کوچک‌ترین‌ها بودند. کوچک‌ترین‌هایی که البته با درس‌های بزرگی از کنار ما می‌گذشتند. شگفتی مورچه‌ها اول در شکوه خلقت خدا بود و بعد در اسلوب درست رفتارشان که همه توانایی‌های آن جسم کوچک را کنار می‌زد و درس می‌داد که کردارها الگو می‌شوند نه داشته‌های موروئی.

اصلاً بگذارید مابقی را مهمان سخن امیر بیان باشیم که واژه‌هایشان همه حکمت است و پرشکوه از زیبایی و درس‌آموزی: «آیا به مخلوقات کوچک خدا نمی‌نگرند؟ که چگونه آفرینش آن را استحکام بخشید؟ و ترکیب اندام آن‌را برقرار و گوش و چشم برای آن پدید آورد، و استخوان و پوست متناسب خلق کرد؟ به مورچه و کوچکی جنه آن بنگرید که چگونه لطافت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک نمی‌شود، نگاه کنید که چگونه روی زمین راه می‌رود و برای به دست آوردن روزی خود تلاش می‌کند... روزی مورچه تضمین شده و غذاهای متناسب با طبعش آفریده شده است. خداوند مَنان از او غفلت نمی‌کند و پروردگار پاداش‌دهنده، محرومش نمی‌سازد؛ گرچه در دل سنگی سخت و صاف یا در میان صخره‌ای خشک باشد... پس بزرگ است خدایی که مورچه را بر روی دست و پایش بر پاداشت، و پیکره وجودش را با استحکام نگاه داشت.» (نهج‌البلاغه).

